



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۳ ■ ۲۴ بهمن ۱۳۹۸

نوجوانان
جامعه

۶۶

با تشکر از

نسترن کیانی

مهدی تشکینی

فرزاد پاک‌بین

فرناز شمس‌کیا

در خانه

درست است که هفته قبل در آشپزی دست خودم و ته غذا و قابلمه و پیژامه پدرم را که الان نقش دمکنی را دارد، یکجا با هم سوزاندم اما چه می‌شود کرد. باید زیست، باید تجربه کرد و این میان، شکستن دو تا پارچ و چهار تا نعلبکی از جهیزیه مادر هم نمک زندگی است. نه این که به عنوان نماینده‌ای از دهه هشتادی‌ها، این نسل را دست و پاچلفتی نشان بدهم؛ نه. ولی باید تمام تلاشم را بکنم تا اعتماد از دست رفته خانواده را به دست آورم. البته اقدام هم کردم و یک برگه به در اتاقم زدم و رویش نوشتم: مادرا! پدر! هجده سال از تولد شخص ساکن این اتاق می‌گذره! لطفا ایشون رو جدی بگیرید، اما یک نفر با خطی شبیه پدرم زیرش نوشت: «ما گول این حرف‌ها رو نمی‌خوریم. به شخص ساکن اتاق بگو...»



در جامعه

تاریخ تولد ما هم برای‌مان شده دردسر. هرکجا که می‌رویم باید سعی در مخفی نگه داشتنش کنیم. تابستانی که گذشت فهمیدم نه تنها در خانه بلکه در جامعه هم حرف‌ها و کارهایم خریدار ندارد. قبول دارم که در ابتدای هر کار باید به کارآموزی آن حرفه پرداخت؛ اما من که مهارت لازم را دارم چرا باید بدون دستمزد و صرفا برای رزومه کار کنم؟ من فکر می‌کنم رزومه اسم یک چاه عمیق است که هیچ‌وقت هم پر نمی‌شود. حالا درست است که دو سه بار هنگام کشیدن کارت مشتری صفرهایم کم و زیاد شد یا برای بازکردن مغازه نیم ساعتی خواب ماندم، اما لااقل هزینه خورد و خوراک بدهید. ما که تک‌سلولی نیستیم یا برگ درخت که فتوسنتز کنیم!!



ماجرای تمام نشدن ساکن در

کودکی‌مان که تمام می‌شود، انگار باید فریاد همه تلاششان را می‌کنند که ما را هنوز هما دیگر کسانی هم هستند که می‌خواهند از زبیرفتند وسط مشکلات. این هر دو غلط همکف به سر می‌بریم نه آن بالا بالاها. ما س

حسین آشفته



تاچه حد باید جدی گرفته شویم؟

همین الان يك تماسی داشتیم و میز وزارت کشور به بنده پیشنهاد شد. شوخی‌اش هم ترسناک است. آقا مگر از قدیم نگفته‌اند باید به سفر قطر کرد؟! نه منظورم این بود که بسیار سفر باید تا پخته شود خامی. البته ممکن است اطلاق صفت خام به مخاطبان نوجوان روزنامه بر بخورد؛ اما باید بدانید که راه زیادی داریم تا پخته شدن. اصلا نه این و نه آن. ما این میان گیر کرده‌ایم و در حال نیم پز شدنیم و حالا نیاز داریم تا مسؤولیت‌هایی را بر عهده بگیریم که از پس‌شان به‌خوبی برمی‌آییم. به طوری که از کار زده نشویم، تجربه و مهارتی کسب کنیم و اعتماد به نفس‌مان افزایش پیدا کند. شاید برای شروع دستیاری در پروژه‌های ریزو درشت به نفع همه‌مان باشد.



چرا با

این هم شد سؤال؟! آینده کشور را

